



# فقہای افغانستان

بعد از شماره ۳۳

بقلم جناب قاری عبدالله خان  
عضو انجمن ادبی

**صاعد ابن سیار:** صاعد ابن سیار (۱) ابن عبدالله ابن ابراهیم قاضی ابوالملاء هراتی در سفر حج بغداد رفته (۵۰۹) و در آنجا صحیح ترمذی و غیره را حدیث و اعلایا نموده. پدرش سیار پیش ازین ذکر شد و شهاب نواسه او را هم در طبقه فقہای حنفی ذکر کرده اند صاعد در سنه ۵۲۰ وفات یافت.

**عبدالله ابن احمد:** عبدالله ابن احمد ابن محمود ابو القاسم بلخی در علم کلام دارای تالیفات متعدده است در بغداد اقامت کرد و کتب او در آنجا شهرت یافت ازینجهت بعضی او را از متکلمین معتزله بغداد شمرده اند وفات او در بلخ در غره شعبان از شهرور سنه ۳۱۹ اتفاق افتاد.

**عبدالله ابن حسین:** عبدالله ابن حسین ابن حسن ابن احمد ابن نصر ابن حکیم بصری مروزی مدنی در مرو بشل قضا قیام داشت و اخیرا

(۱) سیار پدر صاعد را جوهر مضی در ص ۲۵۴ - ج - ۱ - سیار ابن یحیی ابن ادیس ابو عمرو مروی ضبط نموده و در ترجمه صاعد بسر او در ص ۲۶۰ - ج - ۱ - سیار ابن عبدالله ابن ابرهیم مروی نوشته

در ۳۵۷ بعمر ۹۷ ترك حیات گفت .

عبدالله ابن مبارك : عبدالله (۱) ابن مبارك ابو عبدالرحمن حنظلی  
 مروزی جامع علم و زهد و ورع و از شاگردان  
 امام اعظم است از سخنان شاگردان اوست که وی در علم و فقه و ادب و نحو  
 و لغت و شعر و فصاحت و زهد و ورع و انصاف و شب زنده داری و عبادت و  
 سلامت رأی و کم گوئی و اجتناب از سخنان بیهوده کمتر نظیر داشته و در بین  
 شاگردان او اختلاف کمتر بوده . نقه و مأمون و حجت بود . تولدش در (۱۱۸)  
 و وفاتش در هنگام باز آمدن از غزنا در ۱۸۱ واقع شد و ۶۳ سال زیست نمود .  
 عبدالرب ابن منصور : عبدالرب ابن منصور ابن اسماعیل ابن ابراهیم  
 ابوالمعالی غزنوی وی مختصر قدوری را  
 در دو مجلد شرح نموده و آنرا ملتسم الاخوان نام گذاشته . وفات او در حدود  
 سنه ۵۰۰ اتفاق افتاد .

عبدالرحمن ابن عبدالسلام : عبدالرحمن (۲) ابن عبدالسلام ابن اسماعیل  
 لمغانی مشارالیه چارمین شخصی است که  
 در مستنصریه بعد از فتح آن بدرس دادن اشتغال ورزیده در فقه و مناظره  
 مهارتی بسزا داشته خانه دان عبدالرحمن همه در دسته فقها جا دارند . برادرش  
 عبدالملك ( متوفی ۶۴۸ ) مدرس مشهد امام اعظم بوده و جدش نیز از فقها  
 و عبدالرحمن نام داشته عبدالرحمن در سیزدهم رجب ( ۶۴۰ ) وفات یافت  
 و برخی وفاتش را در ۶۴۹ گفته اند .

(۱) در سلسله روایات نیز ذکر شده .

(۲) از اجداد عبدالرحمن پدر اسماعیل م عبدالرحمن نام داشته و در ذیل فقهای حنفی  
 محبوب است .

عبدالرحمن ابن عبدالرحیم مروزی مدنی به شغل  
عبدالرحمن ابن عبدالرحیم قضا قیام داشته . در فقه و حدیث استاد محمد ابن  
محمد ابن عبدالرحمن صفار مروزی است که در آتی ذکر خواهد شد . وفات قاضی  
عبدالرحمن معلوم نشد ولی محمد شاگرد او در ( ۵۵۷ ) وفات نموده و ازان میتوان  
حدس زد که وفات خود عبدالرحمن شاید چیزی بیشتر بوده باشد .

عبدالرحمن جامی مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی ابن مولانا شمس الدین احمد  
لقب اصلی او عماد الدین و لقب مشهورش نورالدین و نسب او  
بحضرت امام محمد شاگرد امام اعظم منتهی می شود . قواعد عربیت را در صغرسن  
از پدر خود تحصیل نموده و هم در همین سن بدین مولانا چند اصولی که در مدرسه هرات  
مدرس بوده حاضر و میل بمطالعه تلخیص کرده جمعی بدین شرح مفتاح و مطول  
مشغول بودند مولانا قوه فهم آن را در خود دیده بمطالعه مطول پرداخت ازان بعد  
چندی بدین خواجه علی سمرقندی شاگرد سید السند و چندی بدین مولانا  
شهاب الدین از شاگردان علامه تفتازانی مشغول گشته پس سمرقند رفته و در اینجا  
بدین قاضی موسای رومی شارح ملخص هیئت حاضر گشته و در اولین ملاقات  
با او مباحثه اتفاق افتاده و غالب گشته . مولانا فتح الله تبریزی صدر الصدور الغیبک  
از زبان قاضی رومی میگوید که وی میگفت شخصی با جودت طبع مولانا در سمرقند  
از هنگام بنای آن نامروز نیامده . اگر چه مولانا جامی در اول ورود بسمرقند  
شرح تذکره را از رومی درس میگرفت اما در تعلیقانی که رومی بر شرح تذکره  
نوشته بود با او مناقشه میکرد و رومی تعلیقات خود را از او اصلاح می نمود

موسی پاشا ابن محمد ابن محمود و لقب بقاضی زاده ، رومی معلم سلطان الغیبک در ریاضی تخصص داشته  
شرح جفنی در هیئت از مؤلفات اوست فتح الله تبریزی متوفی ( ۸۶۷ ) از فضلای عهد سلطان  
ابوسعید کورکانی و جامع معقول منقول بود - فوائد بیبه س ۸۷ .

بعد ها رومی (مخلص هیئت) مؤلفه خود را از نظر مولانا گذرانیده و او تصرفاتی در آن نمود که اصلاً ذهن رومی بدان سبقت نکرده بود. وقتی مولانا در هرات با ملا علی قوشجی شارح تجرید مناظره نمود و بروی غلبه جست. قوشجی بشاگردان خود گفت: دانستم که نفس قدسی درین عالم موجود است. مولانا پس از فراغ از علوم ظاهر بتصفیه باطن پرداخت و از سمرقند بازگشته بخدمت خواجه احرار آمد و ببرکت انفس قدسیه او از اعیان صوفیه گردید. مولانا بخدمت شیخ سعدالدین کاشغری مرید بوده و خواجه محمد یار سارا در خورد سالی دیده و از دیگر اکابر نیز استفاده نموده چنانچه در نفحات ازهریک ذکر میکند.

و در ۸۷۷ احرام حج بسته و در آن سفر حلب و دمشق و سایر بلاد شام را دیده علمای آنحد و دینی نهایت در مراسم تعظیم و توقیر مولانا کوشیده اند. عده تالیفات مولانا را از سی و چهل بیشتر (۱) ضبط کرده اند از انجمله است فوائد ضیائییه شرح کافییه در نحو و دو شرح بر فصوص الحکم شیخ اکبر و شواهد النبوة و تفسیر آیه فارهبون و شرح قصیده تائیه و کرمیه شیخ ابن فارس حموی و تحقیق مذهب صوفیه و شرح حدیث ابی رزین العقیلی و شرح دو بیت مثنوی و شرح بیت امیر خسرو دهلوی و رساله در وجود و اشعه اللغات و لوائح و رساله در بیان کلمه توحید. و رساله در مناسک حج و رساله طریقه سادات نقشبندییه قدست اسرار هم. و شرح کلمات حضرت خواجه محمد یار سارا و مناقب شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری و مناقب مولانا جلال الدین

(۱) سام مرزای صفوی تالیفات مولانا را (۴۶) شمس الدین سامی (۴۱) و داراشکوه موافق عدد (جام) ۴۴ - و ابوطالب تبریزی و غیره موافق عدد تخلص او ۵۴ و رشید یاسمی در مقدمه سلامان و ابسال (۳۱) و مولانا عبدالحی در فوائد بهبه از مولانا عبدالغفور تالیفات او را بلفظ کثیر ذکر نموده.

بلخی و رساله در موسیقی و رساله در عروض و رساله در معما و رساله انشا و دو اربین غزل و مثنویهایی که برشته نظم کشیده و غیره تالیفاتیکه مولانا عبدالغفور شاگرد او در خانمه حاشیه تفحات ازان ذکر میکنند.

مولانا بسیار خوش خلق و خوش محاوره بود و مطالبه های لطیف میکرد تولدش در خرداد جام ۲۳ شعبان ۸۱۷ و وفات روز جمعه در وقت اذان جمعه سیزدهم ماه محرم ۸۹۸ روی داد.

عبدالرحمن ابن محمد عبدالرحمن ابن محمد ابن عبدالله نیشاپوری خرقی ( ۱ )

در بخاری تحصیل فقه نموده سلسله تعلیمش با امام محمد ممتهی می شود فقیه و اعظ و نیکو اخلاق بوده. در ۶۹۹ تولد و در ۵۵۳ وفات نموده.

عبدالرحمن ابن علقمه : عبدالرحمن ابن علقمه ابو زید سعدی مروزی

در فقه شاگرد امام محمد است و از جامع

نوح ( ۲ ) ابن ابو مریم و شریک ( ۳ ) ابن عبدالله و حماد ( ۴ ) ابن زید

حدیث سمع نموده و از امام حنبل و غیره روایت کرده در رای و حدیث

بصارتی داشت. دارای صلاح و براهین و عالم حساب بود. وقتی او را بقضای

سرخس مکلف نمودند که در آنجا شغل چندی قیام ورزید و اخیراً از آنجا

گریخته پنهان شد.

عبدالرحیم ابن عبدالسلام عبدالرحیم ابن عبد السلام ابن علی ابوزید

غیبی مروزی در فقهای حنفی امام فاضل عالم

( ۱ ) خرقی بفتحین قریه ایست از نواحی مرو. سمعی من ۱۹۵.

( ۲ ) ابو عصمت نوح ابن مریم جامع در سلسله روایات ذکر شده.

( ۳ ) قاضی شریک متوفی ( ۱۰۷ ) یا ( ۱۸۷ ) از شاگردان امام اعظم رض است امام بخاری و مسلم

از و در صحیحین روایت کرده اند و در واسط قاضی بوده. جواهر مضیه - ج - ۱ - ص ۲۵۶

( ۴ ) حماد ابن زید متوفی ( ۱۷۹ ) امام کبیر مشهور و از شاگردان امام اعظم رض است

بوده حدیث را از پدر خود عبدالسلام سمع نموده. در (۴۶۵) بعزم سفر حج بغداد رفت و در آنجا بعضی از وحدیث سمع نمودند. وفات او در مرو بهاء جمادی الاولی ۴۸۴ واقع شده.

عبدالرشید ابن ابوحنیفه ابن عبدالرزاق ولوالجی چندی در بلخ از ابوبکر (۱) قزار بلخی و بعد مدتی در بخارا از علی ابن حسن برهان بلخی تعلیم فقه فرا گرفته و بیشتر در عمر قنداقامت و رزیده فتاوی و لوالجی مشهور در فقه نالیف اوست. تولد و وفاتش در ولوالج طخارستان روی داده توولد در جمادی الاولی ۴۶۷ و وفاتش تقریباً بعد از (۵۴۰).

## مشاهیر افغانستان

لقب: آقای مکریم خان زبیدی

اسم: لقب، کنیه و نسب وی، قراریکه در کتب تواریخ اخفش بلخی؛ و رجال و معاجم شیوخ و طبقات نحویین مسطور است.

ابوالحسن سعید بن مسعده (۱) معروف بلخخشن بنظر میرسد. اصل وی از بلخ و چنانکه نوشته اند، از موالی بنی مجاشع (۲) بوده و بدان سبب مجاشعی معروف است.

مشارالیه مذکور یکی از مبرزترین رجال نحوی بصره، و اواسط از اخافشن ثلاثه مشهوره در نحو بوده، از ائمه لغت و سادات اساتید عربیه بشمار میرود.

(۱) نامش محمد است ابن احمد ابن تلی استادسته از فقها است.

(۲) مسعده؛ بفتح میم سکون سین، فتح عین و دال مهملات و سکون ها.

(۳) مجاشعی بضم میم و بعد از الف شین مثله مکسوره و بعد از ان عین مهمله و یا نسبت است بمجاشع

بن دارم از بطن تمیم و قیات الاعیان ج اول ص ۲۰۸